

**پروفسور منوچهر آشتیانی** از پژوهشگران و جامعه‌شناسان مطرح کشورمان است.نظرات و دیدگاه‌های این استاد دانشگاه در حوزه‌های مختلف بویژه در باره تاریخ تحولات ایران، متمایز از نظرات سایر تحلیلگران است.
به اعتقاد **پروفسور آشتیانی**، نبود هویت سیاسی ثابت در میان برخی سیاستمداران ایران بویژه میان کنتشگران اصلاح‌طلب هزینه‌ساز خواهد بود.
**وی** معتقد است **حسن روحانی** نمی‌تواند با رزست اعتدال به اهداف خود برسد چرا که واقعیت موجود در جامعه با اهداف و اعتقادات روحانی همخوانی ندارد.

**آقای آشتیانی** تصریح می‌کند **تنها راه نجات حسن روحانی** از نابسامانی‌های آتی بازگشت وی به **نظام فکری اولوگرایی** است.

■ **آقای پروفسور!** در سال ۸۸ فتنه‌ای در ایران رخ داد که عده‌ای از خواص آن را به بهانه تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال به راه انداختند و مدیریت کردند اما با وجود آنکه ۵ سال از آن رخداد تلخ که ضریبات جبران‌ناپذیری به کشور وارد کرد، می‌گذرد، مدعیان نه سندی رو می‌کنند و نه از این اقدامشان توبه. دلیل این امر را چه می‌دانید؟

من اگر بخواهم بگویم، آنقدر این بحث مفصل است که از حوصله خارج است. اولاد در این ۲۵۰۰ سال این اولین بار نیست که در ایران چنین واقعه‌ای رخ داده است. شاید ۸۰۰ بار این واقعه شکل گرفته است.

اینگونه مسائل که رخ می‌دهد در کشور یک وقت هست شما جامعه‌شناسانه و غیر تاریخی فقط آن کیس را یا مورد خاص را بیرون می‌کشید و می‌گذارید در تحقیقات علمی در آزمایشگاه مقابل‌تان و بررسی می‌کنید و می‌بینید جواب نمی‌دهد؛ یک وقت هم هست می‌گذارید در کنتکس. یعنی در سنیاق و متن کامل مناسبات تاریخی – اجتماعی سوال می‌کنید که کلی چه بوده و چرا رخ داده است. حالا من وارد بحث کلی نمی‌شوم که در آن کتاب جامعه‌شناسی تاریخی که سال قبل منتشر شد و جایزه کتاب سال را هم برد، از طرف یونسکو مطرح شد و در سالن اجلاس تجلیل داشتند و همه آمدند و نشستند و من کل این جریانات را در این کتاب جامعه‌شناسی تاریخی از ابتدا نه فقط در ایران بلکه در کشورهای مختلف شرح دادم از ابتدا تا هم‌اکنون که چه جریاناتی رخ داد. در کشورهای دیگر هم همینطور چه برخوردهایی رخ داده است.

■ **اصلا این موضوع را از لحاظ ارتباطات اجتماعی یا از پیامات فرهنگی بررسی کنید.**

در یک کشوری ۲۵۰۰ سال از هدایت و یونانیت و مسیحیت و قومیت و عربیت همه وارد ایران شده و با برخوردهایی روبرو شده، با پذیرش و عدم پذیرش که همه موارد به نسبت شواهد خیلی زیاد است. شما کافی است به اشعار آن نگاه کنید؛ آن وقت می‌بینید کجاها را قبول کرده و کجاها را قبول نکرده است. اصلا یکی – دو تا

نیست. در همه فرهنگ‌ها هم هست. یعنی فقط برای فرهنگ ما نیست. در کشورهای دیگر هم همین‌طور است. آلمان‌ها هم همینطور بودند. ۶۰۰ سال طول کشید آلمان‌ها توانستند از مسیحیت عبور کنند و زرن‌ها بیابند می‌شوند. آلمان فعلی، آلمان فدرال مسیحی دموکراتیک، بعد از ۶۰۰ سال این چنین شده هیچ‌وقت اینطور نبوده است. خیلی مقاومت و ندهد است. کردند. پس این فقط مال ایران

نیست. این یک موضوع کلی است. روابط فرهنگی در سراسر دنیا وجود دارد و به نسبت اینکه جلو می‌آییم شدیدتر می‌شود. الان در قرن ارتباطات هستیم. مثل یک دهکده جهانی می‌خواهیم به هم مرتبط شویم. مثل یک دهکده که یک واقعۀ رخ می‌دهد همه خبردار می‌شوند. شما الان می‌دانید در اوکراین چه می‌گذرد. ۱۰۰ سال پیش اینجوری نبوده است. هیچ‌کس خبر نداشت در کشورهای دیگر چه اتفاقی می‌افتد. ارتباطات جهانی شامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مخصوصاً فرهنگی توسعه پیدا کرده است. کشورها در حال داد و ستد فرهنگی هستند و فرهنگ‌ها می‌آیند و انتقال پیدا می‌کنند.

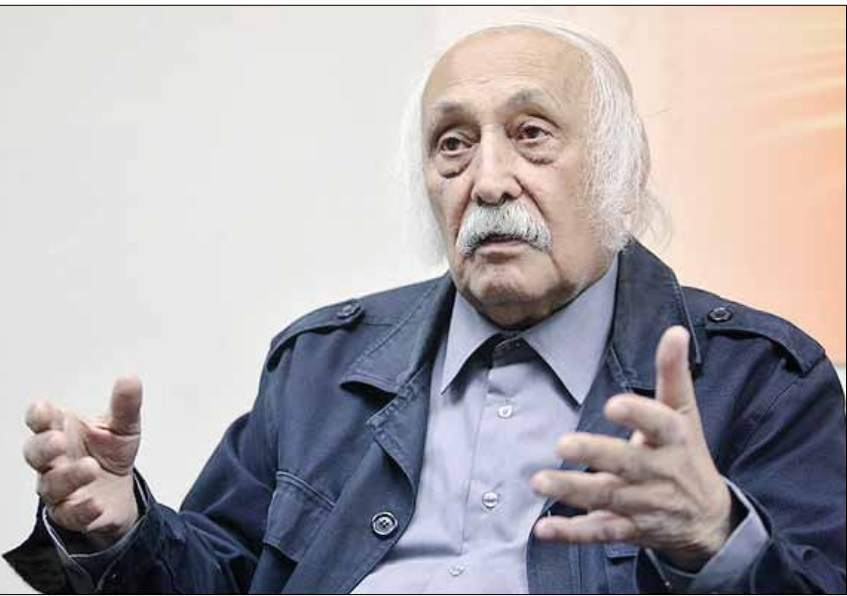
■ **فرهنگ‌پذیری امر خیلی مهمی است؛ کسی یا کشوری از کشور دیگر فرهنگ می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد. به نسبتی هم که می‌پذیرد قسمت‌های**

**را می‌پذیرد و بعضی قسمت‌ها را نمی‌پذیرد.**

در ایران نیز، چنین چیزی رخ داده است. از ۲۵۰۰ سال پیش به این طرف تاریخ مکتوب داریم. تاریخ باب‌بندی شده داریم و از زمانی که می‌گویم دقیقاً هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان و سامانیان و گروه‌ها مشخص هستند و افراد هم مشخص هستند. از زمانی که ما تاریخ منظم داریم این داد و ستد وجود دارد و مدارک تاریخی هم یکی – دو تا نیست؛ آنقدر مدارک زیاد است که اصلا قابل بحث نیست. یکی از ویژگی‌های فرهنگ ما این بوده که بنشدت هم میهنی و هم جهانی بودیم. نویسندگان، شعرا و فلاسفه ما هم بشدت میهنی بودند، هم جهانی؛ هم بنشدت ملی بودند و هم بنشدت بین‌المللی. مثلاً شما دقت کنید فارابی را می‌بینید که در آن جامعه راه درست خروج از مدینه جاهلان به مدینه فاضله را شرح کلیدی می‌دهد که الان سرنوشته تمام کشورها

# رهبر انقلاب نبود، کشور ۷ کفن پوسانده بود

■ **لعیا بغدادی/سمبرا بغدادی**



**وقتی در جامعه‌ای تغییر رخ داد و تغایر پیدا کرد و با سیستم همونا نبود، سیستم باید چکار کند؟ و سوال دیگر اینکه اینهایی که این کار را انجام می‌دهند، اگر صادق هستند و علاقه‌مند به کلیت کشورشان و ملتشان هستند، این کار را تا کجا باید انجام بدهند تا سیستم متلاشی نشود؟**

این در ایران مطرح نشد و هنوز هم که درباره فتنه بحث می‌شود، این ناتمام می‌ماند. اینها چه می‌خواستند و چه بودند؟ من که آلمان بودم ۳ بار شاهد این شکست بودم، این بوده است. اینها نه همدیگر را زدند نه کشتند و نه به همدیگر فحش دادند. الان هم دارند با هم زندگی می‌کنند.

■ **چرا بدون اینکه سندی یا مدرکی ارائه کنند، بحث تقلب را مطرح کردند؟**

مسئله این است که در ایران این اشتباه چند بار رخ داده است. من الان ۸۴ ساله‌ام؛ از ۱۵ سالگی دائم در فعالیت‌های سیاسی ایران بوده‌ام. یاد نمی‌رود که یک صندلی گذاشتیم در میدان بهارستان. یک تومار بزرگ گذاشته بودیم. مردم می‌امدن با خون خودشان آن را رضا می‌کردند که به مصدق وفادارند. ۳ روز بعد حتی یک نفر از آنها نیامد تا از مصدق حمایت کند. ما نزدیک منزل مصدق ایستاده بودیم. حتی کاشی‌های حمام را کندند و بردند! اینهایی که با خون خودشان امضا کرده بودند، نیامدند. چطور نیامدن؟

الان به محض اینکه شخصی می‌آید و به عنوان اپوزیسیون مطرح می‌شود، تبدیل به ضدانقلاب می‌شود؛ البته اگر آمریکا به قول آیت‌الله خامنه‌ای بخواید یک تغییر و تحولی بدهد، نمی‌تواند و راهش بسته شده است چون یکسری افرادی هستند که تا آخرین قطره خونشان بایستند و آمریکا نمی‌تواند کاری بکند مگر اینکه بخواهد همه مردم ایران را با بمب اتم نابود کند. اپوزیسیون باید بتواند از آینده و حال این‌را درک کند که به عنوان نیروی مبارز داخل ایران انتخاباتی به نظام داشته و به‌طور دموکراتیک به‌طور آزاد و دوستانه انتقادات خودش را مطرح کند و بگذارد این انتقادات در یک انتخابات به منصف‌ظهور برسد. آنجا ممکن است موفق بشود و در این انتخابات برود ولی نباید اپوزیسیون به سمت ضدانقلاب کشیده بشود یعنی همان اشتباهی که آقای موسوی و خاتمی کردند، البته هیچ‌کدام در این حد نبودند که این اشتباه را بکنند، نه موسوی چنین آدمی بود که این اشتباه را بکند، نه خاتمی.

■ **شما احتمال می‌دادید بعد از انتخابات اتفاقی بیفتد؟**

۱۰۰ درصد می‌دانستم که اگر اینها بیایند، این اتفاق می‌افتد. این اخطار را به آنها هم داده بودم که خارجی‌ها منتظرند بگویند نظام پاشید و بیگانه همین را می‌خواست. خارجی می‌خواهد کل نظام برچیده بشود. از جریان خیلی‌صدر که می‌خواست نظام را براندازد تا حمله صدام جانی چایی به ایران که قصدش برچیدن نظام بود. من سراغ دارم کسانی را که جشن می‌گرفتند که این نظام بزودی برچیده می‌شود و تمام می‌شود چون عراق حمله کرده است. نه برای اینکه عراق بیاید داخل ایران بلکه به نظام برچیده شود و این کاملاً مشهود بود. ولی خاتمی آقای موسوی نمی‌دید. یک بحث این است که وقتی جریان‌ی رخ می‌دهد در ایران زعمای قوم یا آدم‌های عاقل ما نمی‌آیند نگاه کنند که این سیستم به‌وجود آمده و نیروهایی از بیرون دارند وارد می‌شوند. کما اینکه معتقدم در سال ۸۸ نه موسوی و نه خاتمی و نه کروسی کاره‌ای نبودند. افرادی که در خیابان‌ها بودند طرفدارهای موسوی نبودند. بلکه اشتباهی که اینها کردند این بود که آن افرادی که در خیابان بودند را هوادر خود پنداشتند.

■ **شما با این‌ها ارتباطی، چه از لحاظ اقتصادی، چه از این برخورد را داشتید؟**

اگر ۳ فاز بگیریم این اتفاقات را در فاز سوم آقای موسوی اشتباه کرد.

الان هم آقای روحانی داخل گود به عنوان اصلاح‌طلب آمد ولی نگفت. منتها همین چیزی که من به آقای روحانی می‌گویم و به آقایان می‌گویم که شما اصلاً متوجه نیستید که این اصلاح‌طلبی یعنی رفرمیسم. علی حساب‌تعریف یعنی ضدانقلاب. شما تغییر محتوایی را قبول ندارید. تغییر شکل را قبول دارید. شما از اصولگرایی به سمت فرم می‌روید و ۲ چیز همراه‌تان وارد می‌شود: ۱– تغییر طلبی

## پروفسور منوچهر آشتیانی در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

# رهبر انقلاب نبود، کشور ۷ کفن پوسانده بود

■ **لعیا بغدادی/سمبرا بغدادی**

تهدید کردند جریمه می‌کنیم ولی باز ۹۷ درصد رای می‌دهند که یارانه می‌خواهیم! موضوع یارانه‌ها نشان داد اینها چقدر بی‌تدبیر هستند! اگرنه احتیاجی به این گدایی نبود، احتیاجی به این بی‌ابرویی نبود و این در مقابل دولت احمدی‌نژاد شکستی بود برای دولت روحانی. آن در را باز کرده بود و داشت چه و چه به ایراد می‌داد و همه می‌گرفتند. این را به این صورت است از بالا به پایین به خودتان ببیچید. خود‌تان وارد اقتصاد صرفه‌جویی شوید و خودتان هم نشان بدهید صرفه‌جویی می‌کنید. نه آن ماشین‌ها، نه آن رفعت و امدهایتان به خارج و نه اینکه یک وزیر دولت فعلی اعلام می‌کند: «من افتخار می‌کنم ثروتمند هستم». بلکه ثروتمندی خوب است اما در کشوری که همه مردم راحت زندگی می‌کنند. اینها این کار را نمی‌کنند. برای یافتن علت اینکه این

کار را نمی‌کنند باید در ذهن‌تان به عقب برگردید. پشت این کارها ۲۵۰۰ سال خورد و خوراک یک قشر کم در آن بالا بوده است. ادعاهایی که اینها می‌کنند به پشتوانه قدرت آدم‌هایی است که شهید شده‌اند. قهرمانانی که عکسشان در همه خیابان‌ها دیده می‌شود. آن نیرو است که به این نظام قدرت بخشیده است. خود مسؤولان قدرتی ندارند.

■ **تمام حرف ما این است که چرا به جای اینکه مثل آنهاایی که جانمشان را برای این انقلاب دادند بیایند وسط میدان و تمام تلاش خود را برای حل مشکلات معیشتی مردم بکنند، به حواشی می‌پردازند.**

اینکه اصول از دست‌شان بیرون کشیده شده است. باید در جزئیات و فروع وارد شوند و باید طوری وارد شوند که مردم را راضی نگه دارند و مردم را سرگرم کنند تا ببینند چه می‌شود. مردم را به این امید سرگرم کنند که جهان غرب با آنها کنار بیاید. به هر حالی این ایراد به اینها هست و صحبت فرد نیست؛ می‌خواهد، «سفتل» نمی‌پذیرد. بنابراین وقتی دید به زد و خورد کشیده می‌شود گفت بگذارد از هم بپاشند. نظرم این بود که اشتباهی که موسوی و خاتمی کردند اینجا باید دیگر خودشان را کنار می‌کشیدند یا مانیفست می‌دادند بیرون که ما چه می‌خواهیم و اینکه جزو اینها نیستیم.

همه جریان‌های بزرگ آزادخواهان‌ه هم این مانیفست را می‌دادند ولی اینها این کار را نکردند. حالا چرا؛ من این را نمی‌دانم. ■ **خب؛ برنامه‌ریزی شده بود.**
خارجی‌ها باعث شده بودند. سفیر انگلیس آن موقع مسؤول سازماندهی داخلی بود یعنی در منزل آقای موسوی و منزل آقای خاتمی دیده می‌شد. تا این حد نزدیک شده بود به اینها در بحبوحه انتخابات. البته در فاز سوم. در فاز اول اصلاً وارد نشدند و از پشت گفتند ببینیم خودشان چکار می‌کنند. همین که دیدند اینها هیچ‌وقت بگذارد از کمک ایدای داخلی، خودشان هم وارد شدند. ما عناصر انگلیسی و آمریکایی را در خیابان می‌دیدیم که دلار پخش می‌کردند. آمده بودند آدم بخردند. مثلاً ۵۰۰ دلار می‌دهم برو فلان جا را آتش بزنی یا فلان کس را بکش. مدعیان تقلب از جایگاه سیاسی در حکومت بهره می‌برندند و سال‌ها در حاکمیت بودند و خود بهتر از همه می‌دانستند تقلب در انتخابات ایران امکان ندارد ولی باز هم آن را مطرح می‌کردند. همه مسائل تکنیکی است که مطرح می‌شود. حالا ما در جهت مثبت بگیریم که اپوزیسیون باش یا پیچ بخورد به این طرف که نظام را برچیند در پیامدش خیلی اتفاقات می‌افتد که ارزش واقعی ندارد. بچگانه است. هم برای خود آقای موسوی و هم برای آقای خاتمی می‌دانم.

■ **آیا رفسنجانی درباره انتخابات مختلف که توسط یک دولت برگزار شد و نظر متفاوت داشت؛ سال ۸۸ گفت تقلب شده و سال ۹۲ گفت بهترین انتخابات بود! چرا برخی افراد وقتی می‌بازند بازی را به هم می‌ریزند ولی وقتی برنده انتخابات می‌شوند، آن را عالی می‌دانند؟**
این تلون فقط در ایشان نیست. تنها کسی که تا به حال تلون نشان نداده‌اند رهبری هستند؛ اگرنه یک نفر را پیدا نمی‌کنید، مگر اینهایی که شهید شدند. آنها در خط مستقیم ماندند. همین روحانی آمده آنقدر تغییر شکل و ماهیت داده آدم تعجب می‌کند که این قبلا که بوده؛ چه جوری بوده است؟ حالا به چه صورتی درآمد. کلی برگشتند. مسأله عمده این است که در این باره کمترین کار شده است. من در کتابم آورده‌ام اینکه چه چیزهایی برچیده شد؟ آمدند تمام راه‌های برگشت را بستند. چه از لحاظ تاریخی، چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ فرهنگی…

■ **آیا همه‌پرسی نسبت‌تام ساز دوم هدفمندی یارانه ۹۷ درصد مردم خواستار دریافت آن شده‌اند از لحاظ جامعه‌شناختی نوعی واکنش نسبت به برخی رفتارهای شاهانه نبود؟**

تصورشان این بود که پاسخ کاملاً مطلوب دولت داده می‌شود چون کیسه‌شان را پر کرده بودند که این جور می‌کنیم و آن جور می‌کنیم ولی درست معکوس شد. تازه با بازی‌هایی که راه انداخته بودند که کادو می‌دهیم و چه و چه می‌دهیم و می‌روید و که ۱۰ میلیون ر شناسایی کردیم و در آخر که

## بهبود اقتصاد کشور می‌شود. به‌نظر شما چرا رؤسای جمهوری ایران به چنین دردسرهایی دچار می‌شوند. آیا بر اعتمادشان اشتباه می‌کنند یا توصیه‌های لازم برای جلوگیری از زدن چنین حرف‌های بیهوده‌ای را ندارند.

پیامبر اسلام(ص) انتقادی که از دین بهود داشتند این بود که شما اپورتونیست هستید یعنی تا حضرت موسی به کوه طور می‌رفتند شما گوشاله می‌پرستیدید و به محض اینکه برمی‌گشتند باز موسی را قبول داشتید، تلون داشتید. فرصت‌طلب بودید. این انتقادی اصولی است که در قرآن به بهبود شده است. شما قوم بنی‌اسرائیل به پیامبر خودتان وفادار نبودید، به محض دور شدن پیامبران از خدا رو برمی‌گردانید. این انتقاد، خیلی اصولی است و این انتقاد استراتژیک است یعنی شما چرا این اشتباه را می‌کردید. انتقاد پیامبر اسلام به بهبود انتقاد اصولی است. انتقاد ایشان از مسیحیت نیز اصولی است. می‌گوید شما برای خدا پسر قائل شدید، خداوندی که فوق ادراک وجود آدم است و به‌هیچ‌وجه با انسان شباهتی ندارد. آمدید این را انسانی کردید و بگفتید پسر دارد. شما به اصل توحید دست بردید. یعنی خداوند ۲ تا شده یکی پسر شده و یکی پدر شد. این انتقاد، انتقاد ریشه‌ای است.

درباره حرف‌های عجیب برخی اطرافیان روحانی هم باید بگویم این‌ج وجه اجباری دارد که خیلی نمی‌شود گلوی آنها را گرفت. آقای روحانی با آنکه من به ایشان انتقاد دارم یک وجهی دارند که جزو نظام هستند، اینها خیلی مضر نیستند.

قسمتی که اینها مضر هستند این است که باید با مردم در میمان بگذرانند و وارد اقتصاد رقابتی و اقتصاد صرفه‌جویی و اقتصاد مبارزاتی شوند. کشورهای دیگر هم این مشکلات را داشتند که وارد اقتصاد تنگدستی شدند. وقتی من آلمان بودم همکلاس من که خامنی بود برای نهار فقط قادر به خرید یک سیب بود.

■ **چه توصیه‌ای به دولت برای گام بردن‌داشتن در این مسیر که در پیش گرفته دارید؟**

خیلی ساده است. از رفرمیسم یعنی اصلاح‌طلبی برگردند به سمت اولوگرایی. هیچ راه دیگری نیست. خودشان واقعا کلاهان را قاضی کنند و از اصلاح‌طلبی دست بردارند.

■ **آقای روحانی که می‌گویند اعتدالگرا هستند و هیچ وقت به صراحت بیان نکرده‌اند اصلاح‌طلب هستند.**

اعتدالگرا، امروز یعنی رفرمیست هستیم. یعنی من اصول را قبول ندارم و وسطم. آن کسی که می‌گوید من نه چیم نه راستم یعنی من چیم و نمی‌خواهم راست باشم. عملاً مثل اینکه انتخابات باشد. ۳۰ نفر بخواهند راجع به یک چیز رای دهند. ۱۴ نفر رای می‌دهند این کار نشود و ۱۲ نفر رای می‌دهند این کار بشود و ۳ نفر رای متنع می‌دهند. آن ۳ نفر به نفع ۱۴ نفر رای داده‌اند. تاریخ برای اشتباه‌کنندگان و خائنین یک ارزش قائل است. هر دو شکست می‌خورند.

■ **تاریخ کاری ندارد که نیت‌تان چیست. بگویید من اعتدال می‌خواهم. خب! اعتدال خواه یعنی چه؟ اصولگرایی که حالا دارد معتدلانۀ فکر می‌کند؟ آقای مطهری همین‌طور بودند. فکر آنها آدم‌های محجری بودند؟ آقای مطهری چنین بودند؟**

■ **آقای روحانی که می‌گویند اعتدالگرا هستند و هیچ وقت به صراحت بیان نکرده‌اند اصلاح‌طلب هستند.**
اعتدالگرا، امروز یعنی رفرمیست هستیم. یعنی من اصول را قبول ندارم و وسطم. آن کسی که می‌گوید من نه چیم نه راستم یعنی من چیم و نمی‌خواهم راست باشم. عملاً مثل اینکه انتخابات باشد. ۳۰ نفر بخواهند راجع به یک چیز رای دهند. ۱۴ نفر رای می‌دهند این کار نشود و ۱۲ نفر رای می‌دهند این کار بشود و ۳ نفر رای متنع می‌دهند. آن ۳ نفر به نفع ۱۴ نفر رای داده‌اند. تاریخ برای اشتباه‌کنندگان و خائنین یک ارزش قائل است. هر دو شکست می‌خورند.

■ **تاریخ کاری ندارد که نیت‌تان چیست. بگویید من اعتدال می‌خواهم. خب! اعتدال خواه یعنی چه؟ اصولگرایی که حالا دارد معتدلانۀ فکر می‌کند؟ آقای مطهری همین‌طور بودند. فکر آنها آدم‌های محجری بودند؟ آقای مطهری چنین بودند؟**

■ **آقای روحانی که می‌گویند اعتدالگرا هستند و هیچ وقت به صراحت بیان نکرده‌اند اصلاح‌طلب هستند.**
معلومات است که مجلس باید نظارت بر دولت را تشدید کند. مجلس از ابتدا هم که حالت اشراقی بود که حالت انتقادی نسبت به دولت داشته باشد. در موارد خیلی جزئی حالت انتقادی دارد ولی این‌همه نابسامانی‌ها که رخ می‌دهد، مجلس ساکت است. اگر قرار است نمایندگن در تمام موارد با دولت کنار بیایند، دلیل اینکه توسط مردم برای نظارت بر دولت انتخاب شده‌اند، چیست؟! دموکراسی وقتی از عمق نباشد و روشن‌تر و مرقفی‌تر از کتاب‌های

مطهری نمی‌بینید. آنقدر باز نداشتند برای همین هم کشندشان. آقای روحانی باید بداندن اگر نه چه بگذرد هم اوضاع داخلی و هم اوضاع جهانی و هم نابسامانی‌های درونی تشدید می‌شود. اگر نروند به طرف نظام اولوگرا آن‌جا نمی‌باشند. اعتدال بین گرج و گوسفند نتیجه‌اش این است که در بهترین حالت گوسفند داخل در شکم گرج جا می‌گیرد.

چیز دیگری نمی‌ماند. واقعیت این است که نتیجه‌اش این می‌شود که آن ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر در شکم آنها جا می‌گیرند. روزنامه‌ها هم نوشته بودند که «۷۰ درصد کل درآمد به جیب ۱۰ درصد می‌رود و بقیه‌اش به جیب ۹۰ درصد مردم».

■ **به نظر شما نباید قدرت نظارتی مجلس بر دولت بیشتر شده و مجلس کمی رودرپایستگی را کنار بگذارد.**

معلوم است که مجلس باید نظارت بر دولت را تشدید کند. مجلس از ابتدا هم که شروع به کار کرد برای این‌ین بود که حالت انتقادی نسبت به دولت داشته باشد. در موارد خیلی جزئی حالت انتقادی دارد ولی این همه نابسامانی‌ها که رخ می‌دهد مجلس ساکت است. اگر قرار است نمایندگان در تمام موارد با دولت کنار بیایند، دلیل اینکه توسط مردم برای نظارت بر دولت انتخاب شده‌اند، چیست؟! دموکراسی وقتی از عمق نباشد و حزبی نباشد نتیجه‌اش این است. در تمام دولت‌ها اپوزیسیون فرد مخالفی است که از خود نظام بیرون می‌آید و هر نظامی وقتی شروع می‌کند و به جلو می‌رود، به دلایل مختلف دچار انحراف می‌شود و اگر آقای خامنه‌ای نبودند، تا به حال ما ۷ کفن پوسانده بودیم و ایشان از بالا کنترل کرده و نگه داشته‌اند.